

قرآن در قرآن (۸)
صفات قرآن

جامعیت قرآن

یعقوب جعفری

چگونه قرآن بیان کننده همه چیز است؟

یکی از ویژگیهای بسیار مهم قرآن این است که این کتاب آسمانی، جامع تمام علوم و معارف است چه علمی که بشر تا کنون به آن دست یافته و چه علمی که هنوز در دسترس بشر قرار نگرفته است و به شرحی که خواهیم گفت همه یافته های علمی و کل دانش بشر به اضافه علمی که هنوز بشریت پی به آن نبرده است در قرآن کریم آمده و تمام آنچه که شده است و می شود و خواهد شد در این سفره گسترده الهی موجود است.

از آنجا که این بحث، بحث مهمی است و نیاز به توضیح بیشتری دارد ما قبلاً آن قسمت از صفات قرآن را که ناظر به جامعیت قرآن است می آوریم و سپس در باره جامعیت قرآن و چگونگی آن بحث می کنیم اینک آیات:

۱ - تبیان کل شیئی

«تبیان» مصدر از باب تفعیل است و به معنای کثرت بیان می باشد قرآن کریم در آیه ای که می خوانیم خودش را تبیان کل شیئی معرفی کرده که در اینجا مصدر به معنای فاعلی است و منظور این است که قرآن بسیار بیان کننده است:

« وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ »

(سوره نحل، آیه ۸۹): و قرآن را برتونازل کردیم که بیان کننده همه چیز و مایه هدایت و رحمت و مرزده برای مسلمانان است.

۲- تفصیل کل شبی

تفصیل به معنای بیان مطلب به طور مشروح است به گونه ای که شامل جزئیات مطلب هم باشد این صفت را نیز قرآن برای خود آورده است.

﴿ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴾ (سوره یوسف، آیه ۱۱۱). قرآن سخن دروغی نیست، بلکه تصدیق کننده کتاب های آسمانی است که پیش روی اوست و تفصیل همه چیز و مایه هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان آورده اند.

۳- مفصل

یکی دیگر از صفات قرآن که ناظر به جامعیت آن است، صفت مفصل است که در این آیه آمده است:

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۱۴): خداوند کسی است که کتاب را برای شما به طور مفصل نازل کرد و کسانی که کتاب را به آنها دادیم می دانند که آن از جانب پروردگارت به حق نازل شده پس، از تردید کنندگان مباش.

به طوری که ملاحظه می فرمائید در این آیات بخصوص در آیه نخستین قرآن خودش را بیان کننده همه چیز معرفی می کند اکنون باید دید که منظور از این مطلب چیست و قرآن کریم چگونه تفصیل همه اشیاء را در بر دارد؟

بسیاری از مفسران در توجیه و تفسیر این مطلب گفته اند: از آنجا که قرآن يك کتاب هدایت است و با هدف ارشاد و تربیت انسانها نازل شده بنابراین منظور از بیان همه چیز این است که قرآن تمام مسائل مربوط به هدایت و تربیت انسانها را بیان نموده و چیزی را فرو گذار نکرده است این مطلب به این می ماند که يك نفر کتاب مفصلی در باره شیمی تألیف کند و بگوید همه چیز در این کتاب آمده، منظور او از همه چیز، آن چیزهایی است که مربوط به شیمی است، و او هرگز

نمی گوید که حتی مسائل ادبی هم در کتاب او آمده قرآن نیز اعلام می کند تمام چیزهایی که مربوط به هدایت و تربیت بشر است در این کتاب آمده است.

ما تصور می کنیم که این تفسیر هرچند راحت و قانع کننده است اما با ظواهر این آیات و آیات دیگری که خواهیم آورد سازگار نیست، به نظر ما این آیات بیانگر يك حقیقت والائی است که درك آن برای ما مشکل و حتی گیج کننده است اما حق نداریم برای اِقتناع خودمان از يك حقیقت قرآنی دست برداریم و یا از کنار آن به آسانی عبور کنیم قرآن در این آیات اعلام می کند که تفصیل همه چیز (کل شیء) در قرآن بیان شده تعبیر (کل شیء) يك تعبیر عام است و وسیع ترین مفهوم را دارد و حتی علوم مادی و علوم خالص را هم در بر می گیرد و ظاهر این آیات می رساند که قرآن بیان کننده تمام علوم و معارف حتی آنهایی که هنوز بشر به آن نرسیده است، می باشد.

شاید بتوان گفت که قرآن کریم نسخه ای از لوح محفوظ و کتاب مبین و امام مبین است که طبق نص صریح قرآن همه چیز در آن احصاء شده^(۱) و همه چیز حتی چیزی که به سنگینی ذره یا کوچکتر از آن باشد، در آن وجود دارد^(۲) و هیچ خشک و تری نیست مگر این که در آن قرار گرفته^(۳) و هیچ سر نهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر اینکه در آن آمده است^(۴).

البته به گفته خود قرآن، لوح محفوظ و کتاب مکتون^(۵) جایگاه قرآن است و این می رساند که نوعی سنخیت میان این دو وجود دارد و اگر در اینجا به اتحاد ظرف و مطروف نظر بدهیم کارگزافی نکرده ایم (دقت کنید).

علاوه بر آیاتی که خواندیم آیات دیگری در قرآن وجود دارد که ناظر به همین مطلب است مثلاً در آیه ای پس از بیان این حقیقت قابل دقت و تعمق که تمام حیوانات روی زمین و پرندگان آسمان امت هائی مانند شما هستند، می گوید:

﴿ مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ﴾ (سوره انعام، آیه ۳۸): ما در کتاب، هیچ چیز را فروگذار نکردیم.

به احتمال زیاد منظور از «کتاب» در این آیه همان قرآن است و این که بعضی از مفسران احتمال داده اند که منظور از کتاب در اینجا کتاب آفرینش باشد احتمال بعیدی است زیرا اطلاق کتاب به عالم آفرینش در قرآن نیامده بلکه کتاب یا به معنی مکتوب که شامل قرآن و سایر کتب آسمانی و نامه است آمده و یا به لوح محفوظ اطلاق شده است البته از عالم آفرینش و پدیده های هستی به عنوان «کلمه» و «کلمات» یاد شده است ولی بحث ما در واژه «کتاب» است.

همچنین در آیه دیگری می فرماید:

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ (سوره کهف، آیه ۵۴): ما در این قرآن برای مردم همه گونه مثلی را آوردیم.

البته در این آیه صحبت از مثل هائی است که برای تربیت مردم آورده می شود ولی مسأله این است که در قرآن به ظاهر همه مثل هارا ما نمی بینیم بنابراین تعبیر «کل مثل» هم مانند تعبیر «کل شیء» می شود که باید جای آن را جستجو کرد.

در این جا توجه خوانندگان عزیز را به دو روایت از ائمه معصومین (علیهم السلام) جلب می کنیم که در آنها تعبیر «تبیانا لكل شیء» به علم آنچه که شده است و می شود و خواهد شد، تفسیر شده است:

۱ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: «انسی لا علم ما فی السموات وما فی الارض واعلم ما فی الجنة واعلم ما فی النار واعلم ما کان و ما یکون ثم مکث هنیئة فرأی ان ذلك کبر علی من سمعه منه فقال علمت ذلك من کتاب الله عزوجل ان الله عزوجل یقول: فیہ تبیان کل شیء» (۶).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من آنچه را که در آسمانهاست و آنچه را که در زمین است می دانم و آنچه را که در بهشت است و آنچه را که در آتش جهنم است می دانم و آنچه را که شده است و یا خواهد شد، می دانم سپس مقداری مکث کرد و دید که این مطلب برای شنونده سنگین است پس فرمود: همه اینها را از کتاب خدا دانسته ام خداوند می فرماید: بیان همه چیز در آن است.

قال ابو عبدالله (علیه السلام): «انسی لا خبر خبر السماء و خبر الارض و خبرماکان و خبر ماهوکائن کانه فی کفّی ثم قال: من کتاب الله اعلمه ان الله یقول: فیہ تبیان کل شیء» (۷).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: من خبر می دهم از خبر آسمان و خبر زمین و خبر آنچه که شده و خبر آنچه می شود به طوری که گویا درکف دست من است سپس فرمود: اینها را از کتاب خدا دانسته ام خداوند می فرماید بیان همه چیز در آن است.

با توجه به این روایات و روایات دیگری که به همین مضمون وارد شده است معلوم می گردد که از نظر ائمه معصومین (علیهم السلام) قرآن کریم تمام علوم اولین و آخرین را در بر گرفته است و معارف قرآنی منحصر به مسائل تربیتی نیست و حتی علوم مادی را هم شامل می شود.

در قرآن آیاتی وجود دارد که تفکر در آنها می تواند در این زمینه ما را یاری کند در این آیات

باکنایه و تصریح گوشزد شده است که به وسیله قرآن می توان کارهای خارق العاده ای را انجام داد مثلاً در آیه ای که ذیلاً می آوریم دقت کنید .

﴿ وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ﴾ (سوره رعد ، آیه ۳۱) . : اگر قرآنی باشد که به وسیله آن کوهها به حرکت در آیند و یا زمین قطعه قطعه شود و یا به وسیله آن با مردگان سخن گفته شود (همین قرآن است) هدف آیه این است که اگر به وسیله قرآن چنین کارهایی هم انجام بگیرد باز اهل عناد ایمان نخواهند آورد .

اما به هرحال این آیه می تواند اشاره ای باشد به اینکه اگر کسی کلید فهم قرآن و راز و رمزهای مربوط به آن را به دست آورده باشد می تواند در طبیعت این گونه تصرف کند .

همچنین حروف مقطعه که تاکنون کسی با قاطعیت معنای آنها را بیان نکرده ، برای خود عالمی دارد و با کشف اسرار آنها می توان با دنیائی از علوم و معارف آشنا شد و احتمال این که این حروف کلیدهایی برای راهیابی به درون قرآن و بطون گوناگون آن باشد احتمال بعیدی نیست .

اتفاقاً در بعضی از روایات مطالبی در باره حروف مقطعه آمده که تفکر و تدبر بسیاری را می طلبد امام باقر به ابو لیبید مخزومی فرمود :

«یا ابا لیبید ان فی حروف القرآن المقطعة لعلماً جمّاً»^(۸) ای ابو لیبید درحروف مقطعه قرآن علم سرشاری وجود دارد .

همچنین در بعضی از روایات برداشتهای عجیبی از حروف مقطعه قرآن شده است مثلاً در چند روایت امام صدق (علیه السلام) سال انقراض حکومت بنی امیه را از «المص» که در اول سوره اعراف آمده ، پیش بینی کرده است^(۹) .

و نیز روایت متعددی که در باره ظاهر و باطن و یا ظُهر و بطن قرآن آمده و این که قرآن بطنی دارد و بطن آن نیز بطنی دارد بسیار قابل تعمق و دقت است .

به طوری که بارها گفته ایم قرآن کریم که کتاب تشریحی خداوند است درست مانند عالم آفرینش است که کتاب تکوینی خداست همان گونه که طبیعت از عناصر گوناگونی تشکیل شده که تاکنون حدود صد و هشت نوع عنصر کشف شده است و هر یک از آنها به تنهایی برای خود خواصی دارد و چون چند تا از آنها باهم ترکیب می شوند خاصیت جدیدی پیدا می کند و می توان از ترکیب های گوناگون آنها خواص بی شماری را به دست آورد قرآن کریم نیز به همین صورت است آیات قرآنی به تنهایی معنایی می دهد و در ترکیب با آیه دیگری معنای جدیدی پیدا می کند و

با چیدن چند آیه در کنار هم می توان به مطلبی پی برد که آن آیات در تنهایی چنین مطلبی را بیان نمی کرد.

در حقیقت آیات قرآنی عناصری هستند که می توانند دستمایه ای برای ساختن پدیده های علمی جدیدی باشند که از ترکیب دوتائی و سه تائی و چند تائی آنها مفاهیم و معارف بی شماری به دست می آید.

چیزی که هست این است که چنین کاری از عهده هرکس بر نمی آید و تنها با تأیید الهی و با تدبیر عمیق در آیات قرآن انجام می پذیرد و این ائمه معصومین هستند که می توانند تمامی راز و رمزها و ظواهر و بطن های قرآن را کشف کنند البته این مانع از آن نیست که افراد دیگری هم به قسمتی از اسرار خفیه قرآن پی ببرند و با تدبیر مداوم در آیات قرآنی، گنجینه هایی از علوم آن را استخراج کنند.

(۱) ﴿و كل شيء احصيناه في امام مبين﴾ (سوره يس، آیه ۱۲).

(۲) ﴿لا يعزب عنه مثقال ذرة في السموات ولا في الارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين﴾ (سوره ساء، آیه ۳).

(۳) ﴿لارطب ولا يابس الا في كتاب مبين﴾ (سوره انعام، آیه ۵۹).

(۴) ﴿وما من غائبة في السماء والارض الا في كتاب مبين﴾ (سوره نمل، آیه ۷۵).

(۵) ﴿بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ﴾ (سوره بروج، آیه ۲۲) انه لقرآن كريم في كتاب مكنون (سوره واقعه، آیه ۷۸).

(۶) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۹.

(۷) تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۸۰.

(۸ و ۹) تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳.

(پا ورقی از صفحه ۶۲)

(۱) استاد شهید مطهری با دلائل متقن و از راههای گوناگون بر بطلان این حدیث استدلال می کند.

(۲) جزوه درسی استاد افتخاری.

(۳) شخصیت های اصلی مجمع علما عبارتند از : ۱ - عبدالحمید بن بادیس، ۲ - طیب الاوقبی، ۳ - بشیر الابراهیمی.